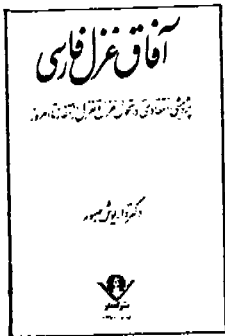


# ماندگارترین صورت شعر فارسی

۱۳۶



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
ریال جامع علوم انسانی

آفاق غزل فارسی

پژوهشی انتقادی در تحول غزل و تغزل از آغاز تا امروز

نوشته دکتر داریوش صبور

چاپ اول: ۱۳۷۰

۶۱۰ ص - ۵۸۰۰ ریال

ناشر: نشر گفتار

با همه تمایل طبیعی جامعه ما به نمونه‌های خوب و سالم تحولات شعر و رویکرد شتابان نسل جوان سی سال اخیر به شعر نو و آثار گویندگانی از نوع فروغ فرخزاد و اخوان ثالث و سهراب سپهری و چند تن دیگر و نفوذ قاطع گویندگانی از نوع توللی و نادرپور و مشیری و باز چند تن دیگر در توده‌های وسیع خوانندگان، هنوز که هنوز است غزل در صدر فرآورده‌های ادبی جامعه فرهنگی ما قرار دارد و بهترین دلیل آن، علاقه‌ای است که اکثر این گویندگان نوپرداز، خود، به غزل نشان داده‌اند.

در کتابی که همین اواخر انتشار یافت و مجموعه دلپذیری از غزل صد سال اخیر ایران را به نمایش گذاشت،<sup>۱</sup> دیدیم که غزل هنوز در پایگاه والای خویش قرار دارد و در مقدمه همان کتاب عده‌ای از قبیل مهدی اخوان ثالث و سیمین بهبهانی و شفیعی کدکنی و اسماعیل خوبی در

دفاع از غزل و جایگاه آن در زمینه خلاقیت شعری عصر ما، سخن گفتند که آن سخنان و نقد آنها می‌توانست فصل پایانی این کتاب را تشکیل دهد و بی‌گمان اگر روزی این کتاب به چاپ دیگری برسد، که به زودی خواهد رسید، جای آن است که مؤلف تحلیلی از مجموعه آن آراء (که نظریات حدود سی تن از مشاهیر ادب معاصر را در خود دارد) نیز فراهم آورد تا کتاب از هر لحاظ، به تعبیر بعضی «روز آمد»<sup>۲</sup> شود.

شک نیست که این کتاب، یعنی «آفاق غزل فارسی»، یکی از بهترین کارهایی است که مستقلاً در باب تحول غزل فارسی تاکنون انجام شده است و این کتاب که در اصل، گویا رساله دکتری مؤلف است، درین چاپ، با تغییرات اساسی و افزوده‌هایی همراه شده است که حتی دارندگان چاپ قبل هم از آن بیش و کم بی‌نیاز نخواهند بود.

اگر چاپ اول کتاب را که سالها قبل، در ۱۳۵۵، نشر یافت ملاک قرار دهیم می‌توانیم بگوییم که این نخستین کتابی است که در زبان فارسی، ویژه تاریخ تحول غزل نوشته شده است. بعد از نشر چاپ اول این کتاب، یکی دو کتاب دیگر در باب سیر غزل نوشته شده است که اگر درست به یادمانده باشد، یکی از آنها تألیف دانشمند محترم آقای دکتر سیروس شمیاسست و به جای خود خواندنی و دارای ارزش. البته مباحث اصلی مربوط به تحول غزل را، به طور پراکنده، استادانی همچون علامه شبلی نعمانی در «شعرالعجم» و استاد فروزانفر (در سطاوی درسا و نوشته‌هایش) و دکتر خانلری در «تحقیق انتقادی در عروض فارسی» و استاد دانشمند جلیل‌القدر و فروتن و بی‌ادعای ما جناب آقای زین‌العابدین مؤتمن<sup>۳</sup> در دو کتاب ارزنده «تحول شعر فارسی» و «شعر و ادب فارسی» و علی دشتی در کتابهای پرخواننده و سودمند خویش «قلمرو سعدی» و «سیری در دیوان شمس» و «نقشی از حافظ» و استاد احمد گلچین معانی در «مکتب وقوع» و دکتر احسان یارشاطر در «شعر فارسی در عصر شاهرخ» و چندین و چند تن از محققان برجسته عصر ما، مورد بررسی تاریخی و انتقادی قرار داده‌اند و فضل تقدم آن بزرگان مورد اعتراف همگان است اما کوشش ارجمندی که نویسنده کتاب «آفاق غزل فارسی» انجام داده است، به جای خود، علاوه بر ملاحظات شخصی او، خوانندگان را از همه آن تحقیقات بی‌نیاز می‌کند ضمن این که حسن سلیقه و ذوق تالیف و نثر شیوای مؤلف کتاب خود از امتیازات عمده این اثر است و ما امروز، در خواندن کتابهای تحقیقی - به جز در موارد استثنایی از قبیل نوشته‌های شادروان دکتر غلامحسین یوسفی و کتابهای استاد بی‌نظیر عبدالحسین زرین کوب یا استاد علامه مفضال دکتر عباس زریاب خوبی یا چند تن دیگر - غالباً احساس خستگی و ملال می‌کنیم اما نثر این کتاب، با این که میدان تحقیقی و علمی به خود گرفته است، نثری است شیوا و دلپذیر.

کتاب در ده فصل اساسی فراهم آمده است و هر فصل شامل موضوعات مهمی است:

فصل اول در باره ماهیت شعرِ غنایی<sup>۴</sup> است و نگاهی به شاخه‌های آن و سیری گذرا در ادبیات شرق و غرب ازین دیدگاه. فصل دوم در باره پیدایش شعر فارسی دری است و نگاهی به شناختِ غزل و موقعیت آن در میان قالبهای شعر فارسی. فصل سوم در باره غزلهای «ملحون» است یعنی غزل در معنی موسیقایی آن که بیشتر اصطلاحی است در میان اهل موسیقی. فصل چهارم در باره غزل به مفهوم «نسیب و تشبیب و تغزل» است و کوششهایی که شاعرانی از نوع رودکی و دقیقی و فرخی و منوچهری، قبل از «استقلالِ غزل» داشته‌اند. فصل پنجم در باره غزلهای عرفانی و پیشگامان بزرگ آن از قبیل سنایی و عطار. این فصل از مهمترین فصلهای کتاب است و مؤلف دانشمند کتاب در آن به طرح مسائلی در باب غزل «عاشقانه» و «قلندری» و «عرفانی» پرداخته است و در همین فصل، بخش مهمی را به مقام خداوندگارِ عالم شعر و افتخار بشریت حضرت جلال‌الدین مولوی پرداخته است و خوب از عهده سخن خویش به در آمده است و هم در این فصل، سخن در باره غزلیات خواجه شیراز و هنر شگفت آور او را سامانی خوش داده است. در ذیل همین فصل به موضوع بسیار مهم نقشِ تصوف در شکل‌گیری و تحولِ غزل فارسی پرداخته شده است و این فصل با طرح پرسش بسیار جالب «عرفان به شعر فارسی چه داده است؟» خاتمه یافته. فصل ششم در باب غزلهای عاشقانه است و خطِ منحنی آن از سنایی تا سعدی و بعد در جهت تحلیل درست موضوع به شکافتن ماهیت شعر توجه شده است از دیدگاه «تخیل» و «عاطفه» و «زبان» و «آهنگ»؛ و در این فصل است که بسیاری از مسائل عمده «صناعت»<sup>۵</sup> غزل از قبیل «شکل» غزل، «زبان» غزل، «صور خیال» در غزل و تحول «اوزان» غزل و تأثیر متقابل زبان قصیده و غزل در یکدیگر سخن گفته شده است. فصل هفتم در باره غزل عصر تیموری و سبک هندی است و مروری به چهره‌های برجسته غزل سبک هندی و پیشگامان این سبک از قبیل بابافغانی شیرازی و صائب تبریزی و کلیم کاشانی. در این فصل مؤلف به بحث از مسائل «شکل» و «مضمون» در غزل سبک هندی پرداخته است. فصل هشتم در باره غزل دوره «بازگشت» است؛ دورانی که آن را دوره فترت نامیده است و در پایان این دوره، به عصر رستاخیز و تجدد ادبی ایران (عصر مشروطیت) پرداخته و از غزلسرایان آن عصر امثال عارف و بهار و فرخی یزدی سخن گفته است. فصل نهم یکی از مهمترین فصلهای کتاب است زیرا در باره «غزل معاصر» به بحث پرداخته و این دوره یکی از دوره‌های خوب غزل فارسی است؛ دوره‌ای که شاعرانی همچون استاد شهریار و هوشنگ ابتهاج از آن غزلهای ناب سروده‌اند. فصل دهم در باره داوری نهایی در باب غزل است و غزلهای بعضی گویندگان معاصر مانند شهریار، پژمان بختیاری، رهی معیری و از متجددان غزل‌گوی امثال فریدون توللی، نادر نادریور، هوشنگ ابتهاج، پروین دولت‌آبادی، سیمین بهیجانی، شفیعی کدکنی و چند تن دیگر. در خاتمه بحثی به عنوان «تجدد ادبی و غزلواره» دارد که در آن نیز به مسأله نوعی از شعر غنایی یا غزل جدید یا تغزل نو اشارت می‌شود که در حقیقت باید آن را غزل نیمایی نامید؛ شعرهای عاشقانه یا بهتر بگوییم تغزلهای نوی که در قالبهای آزاد سروده شده است و ضرورتاً به معنی خالص عاشقانه و یا

صراحتاً در بارهٔ عشق نیست اما در «نوع» غنایی قرار دارد از قبیل بعضی شعرهای توللی، مشیری، ابتهاج، اخوان، نادرپور، فروغ و شفیعی کدکنی.

فصل دهم، دارای سه بخش است: داورها پیرامونِ غزلِ فارسی و نقدِ داورها و نگاهی به سیرِ غزلِ فارسی. این فصل در حقیقت نگاهِ پایانی مؤلف است بر تمام مسائل کتاب.

در پایان، مجموعه‌ای از فهرستهای مفید و راهنما آمده است و بخشِ فهرستِ اعلامِ کتابِ خود به تنهایی می‌تواند ارزش مستقل داشته باشد زیرا فهرستِ خوبی است از نام و نشان و سال تولد و وفات بسیاری از شاعران و نویسندگان قدیم و جدید ایرانی و بیگانه.

توفیق مؤلف دانشمند را از خدای بزرگ خواهانیم و برای ناشرِ باسلیقه و بافرهنگِ کتاب (که چنین همتی کرده و کتابی به این تناسب و زیبایی عرضه داشته است) آرزوی توفیقات بیشتر داریم.



۱. از بنجره‌های زندگانی، برگزیدهٔ غزل معاصر ایران، محمد عظیمی، انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۶۸.

2. up to date

۳. بجاست که مجلهٔ کلک، در شماره‌ای مخصوص از این مرد برجستهٔ فرهنگ معاصر ما قدردانی شایسته‌ای انجام دهد و این سنتِ مجلهٔ کلک بهترین سنت است. خدا آقای دهباشی را، درین راه، توفیق کرامت کناد عنه و فضله.

4. lyric

5. technic

6. genre

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی